

مهاجرت، خروج سرمایه‌ی انسانی و توسعه: مقایسه‌ی ایران و ترکیه^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۰
تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۱/۱

محمدعلی شیرخانی*
رحیم بایزیدی**

چکیده

مهاجرت را می‌توان از جمله مهم‌ترین روندهای صعودی در حوزه‌ی بین‌المللی دانست. این پدیده به خصوص در بین کشورهای جهان سوم از اهمیت بیشتری برخوردار است، چراکه این کشورها در فرآیند جریان بین‌المللی سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌های بیشتری را از دست داده و معمولاً توسعه‌ی آن‌ها تحت تأثیر این پدیده، کند می‌شود. هدف اصلی پژوهش حاضر نیز بررسی میزان و مکانیسم اثرگذاری مهاجرت و خروج سرمایه‌ی انسانی بر توسعه‌ی کشورهای مبدأ همچون ایران و ترکیه است. در همین راستا، مسئله‌ی مهمی که مطرح می‌شود، میزان اثرگذاری مهاجرت بر توسعه‌ی ایران و ترکیه و همچنین چرایی این اثرگذاری است. در پاسخ به این سؤال، با استفاده از روش داده‌بنیاد (Grounded Theory)، مهم‌ترین شاخص‌های مهاجرتی مؤثر بر توسعه استخراج شده و این فرضیه مطرح می‌شود که فرآیند مهاجرت با توجه به شاخص‌هایی از قبیل نرخ مهاجرت و بازگشت، تخصص بالای مهاجران خروجی، درآمدهای برگشتی و سرمایه‌گذاری خارجی دیاسپورا در کشور مبدأ، اثر مخربی بر توسعه‌ی ایران و ترکیه گذاشته است. با توجه به این‌که ترکیه در شاخص‌های مهاجرتی وضعیت بهتری از ایران دارد، توسعه‌ی این کشور اثر مخرب کمتری را از مهاجرت پذیرفته است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، خروج سرمایه‌ی انسانی، توسعه، ایران، ترکیه.

صفحات: ۹۸-۱۲۲

شماره شاپا: 1735-739X

* استاد روابط
بین‌الملل، دانشکده
حقوق و علوم
سیاسی، دانشگاه
تهران، ایران.
shirkhni@ut.ac.ir

** دانشجوی
دکترای روابط
بین‌الملل، دانشکده
حقوق و علوم
سیاسی، دانشگاه
تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)

rahimbaizidi
@ut.ac.ir

۱ این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری رحیم بایزیدی تحت عنوان «جریان بین‌المللی سرمایه‌ی انسانی و توسعه‌ی اقتصادی: مطالعه‌ی مقایسه‌ای ایران و ترکیه»، به راهنمایی دکتر محمدعلی شیرخانی و مشاوره‌ی دکتر بیژن بیروز و دکتر علیرضا خسروی است.

Immigration, Human Capital Exit and Development: Comparing Iran and Turkey

Mohammad Ali Shirkhani *
Rahim Bayazidi **

Abstract

Immigration can be considered one of the most important upward trends in the international arena. This phenomenon is especially important among Third World countries, as these countries are losing more human capital in the process of international human capital flows, and their development under the influence of this phenomenon will usually slow down. The main aim of the present research is to investigate the extent and mechanism of the impact of migration and exodus of human capital on the development of countries of origin, including as Iran and Turkey. In this regard, the important issue that arises is the extent of the impact of immigration on the development of Iran and Turkey. In response to this question, using the Grounded Theory, the most important immigration indicators affecting development were extracted, and it was hypothesized that the migration process was based on indicators such as the rate of migration and return, the high specialty immigrants, remittances and foreign direct investment of Diaspora in the country of origin has had a negative effect on the development of Iran and Turkey. Considering that Turkey has a better status than Iran in immigration indicators, its development has been less damaging from immigration.

Key words: Immigration, Human Capital Flow, Development, Iran, Turkey.

* Full Professor
of International
Relations
at Tehran
University,
Tehran, Iran.

** PhD Candidate
of International
Relations
at Tehran
University,
Tehran, Iran.

مقدمه

توسعه را می‌توان از جمله اهداف ملی مهم در سطوح مختلف سیاسی و حتی بین‌المللی دانست. بر همین اساس است که دستیابی به توسعه هم در برنامه‌های ملی نقش پررنگی داشته و هم از سال ۲۰۰۰ به‌عنوان یکی از جدی‌ترین دستور کارهای سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل مطرح بوده است. با وجود اهمیت این موضوع، به‌خصوص در برنامه‌های ملی توسعه، تأکید کمتری بر سرمایه انسانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توسعه شده است. این در حالی است که مدل‌ها و رویکردهای بسیاری در زمینه‌ی اثرگذاری سرمایه انسانی بر بهبود فرآیند توسعه ارائه شده‌اند که تقریباً همه آن‌ها بر نقش مثبت بهبود سرمایه انسانی در توسعه تأکید دارند. با پذیرش این مفروض که سرمایه انسانی بر توسعه‌ی اقتصادی مؤثر است، این نتیجه حاصل می‌شود که فرآیند ورود و خروج سرمایه انسانی در قالب مهاجرت نیز بر توسعه مؤثر خواهد بود. در واقع، هدف پژوهش حاضر نیز بررسی شاخص‌های مهاجرتی است که بر توسعه‌ی کشورهای مبدأ همچون ایران و ترکیه اثرگذار هستند.

با افزایش ارتباطات انسانی بین جوامع، پدیده‌ی مهاجرت نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی مطرح می‌شود. تنها در مدت زمان ۱۷ سال، جمعیت مهاجران به میزان ۸۵ میلیون نفر (بیشتر از جمعیت ایران) افزایش یافته است. در حالی که در سال ۲۰۰۰، ۱۷۳ میلیون نفر مهاجر در سطح جهان وجود داشتند، در سال ۲۰۱۷ این رقم با بیش از ۲۵۸ میلیون نفر رسیده است. روند صعودی افزایش مهاجران با بروز بحران‌های سیاسی و اجتماعی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، روز به روز در حال گسترش است. این شرایط تا جایی پیش رفته که درصد مهاجران به کل جمعیت در بسیاری از کشورها بالای ۲۰ درصد و حتی در برخی از کشورها بیش از ۵۰ درصد است. به‌عنوان مثال، ۸۸ درصد جمعیت امارات، ۷۵ درصد جمعیت کویت، بیش از ۶۵ درصد جمعیت قطر، ۴۶ درصد جمعیت سنگاپور، ۳۷ درصد جمعیت عربستان سعودی، ۲۹ درصد جمعیت سوئیس، ۲۱ درصد جمعیت کانادا، ۱۶ درصد جمعیت سوئد و ایرلند، ۱۵ درصد جمعیت آمریکا، ۶ درصد جمعیت ترکیه و ۳ درصد جمعیت ایران را مهاجران تشکیل داده‌اند. آمریکا با میزبانی از ۵۰ میلیون مهاجر، عربستان، آلمان و روسیه با حدود ۲۱ میلیون و بریتانیا با بیش از ۸ میلیون مهاجر، عمده‌ترین کشورهای مقصد برای سرمایه انسانی محسوب می‌شوند. همچنین ۳۴ درصد از کل فرآیند مهاجرت و خروج سرمایه انسانی، از کشورهای در حال توسعه به سمت کشورهای توسعه‌یافته جریان دارد. این بخش از جمعیت جهان،

تأثیر به‌سزایی بر توسعه در سطوح سه‌گانه شامل جهان، کشور مبدأ و کشور مقصد می‌گذارند (International Migration Report, 2017:6-31 & World Bank Group, 2016:6).

در خصوص مهاجرت و خروج سرمایه انسانی، ایران و ترکیه از شرایط نسبتاً مشابهی برخوردارند. پدیده‌ی فرار مغزها و یا خروج سرمایه انسانی، برای سال‌های متمادی یک مسئله جدی در دو کشور بوده و سیاست‌های مختلفی برای مقابله با آن تدوین شده است. جمعیت هر دو کشور تقریباً یکسان بوده و همچنین میزان مهاجرت از دو کشور نیز نرخ نسبتاً مشابهی داشته است؛ اما دو کشور در دستیابی به اهداف توسعه از شرایط نسبتاً متفاوتی برخوردارند. لذا اولین سؤالی که در این بخش مطرح می‌شود این است که پدیده مهاجرت و خروج سرمایه انسانی چه تأثیری بر توسعه‌ی این دو کشور دارد؟ در این مقاله، در وهله اول تلاش شده با استناد به تحقیقات پیشین، ابتدا اثرگذاری مهاجرت و خروج سرمایه انسانی بر توسعه ارزیابی شود و سپس با اتکا بر نظریه‌ی داده‌بنیاد مهم‌ترین شاخص‌های مهاجرتی مؤثر بر توسعه، استخراج شوند. در نهایت نیز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، با استفاده از روش مقایسه‌ای شاخص‌های استخراج‌شده در مرحله‌ی دوم بین ایران و ترکیه مورد مقایسه قرار می‌گیرند.

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات تجربی و نظری بسیاری در زمینه مهاجرت و خروج سرمایه انسانی انجام شده است. به‌طور کلی غالب جامعه‌شناسان از مفهوم مهاجرت استفاده می‌کنند، در حالی که اقتصاددانان خروج سرمایه انسانی را مد نظر دارند. به همین ترتیب، در پژوهش حاضر با توجه به تشابه و قرابت مفهومی، تلاش شده هر دوی این مفاهیم مورد استفاده قرار گیرد.

در زمینه‌ی مهاجرت، آثار راونشتاین را می‌توان از اولین پژوهش‌های انجام‌شده در این عرصه دانست. وی اولین فردی بود که «نظریه مهاجرت» را مطرح ساخت. وی در نظریه‌ی مهاجرت، عوامل دافعه در مبدأ و عوامل جاذبه در مقصد را مهم‌ترین علت مهاجرت دانسته است. بعد از راونشتاین، اورت لی در دهه ۱۹۶۰ میلادی، در مقاله‌ای تحت عنوان «یک نظریه‌ی مهاجرت»، نظریه‌ی راونشتاین را به تکامل رسانده و نظریه‌ی جاذبه و دافعه را با افزودن برخی شاخص‌های جدیدتر مطرح کرد (Everett, 1966:47-57).

در همان دوره‌ای که جامعه‌شناسانی همچون اورت لی بیشتر روی علل و عوامل مهاجرت و خروج سرمایه انسانی تمرکز داشتند، اقتصاددانان بیشتر بر رابطه‌ی بین شاخص‌های سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی تأکید داشتند؛ بنابراین بخش بزرگی از پژوهش‌های اولیه،

به خصوص آن‌هایی که در چارچوب رشته اقتصاد انجام می‌شد، تمرکز کمتری بر مهاجرت به عنوان یکی از شاخص‌های اثرگذار بر توسعه داشتند و به‌طورکلی اثرگذاری سرمایه انسانی بر توسعه را مورد بررسی قرار می‌دادند. به مرور زمان، با اهمیت یافتن بیشتر پدیده مهاجرت، اقتصاددانان نیز مدل‌های متعددی را برای نشان دادن ارتباط بین شاخص‌های مهاجرتی و اقتصاد کشورهای مبدأ و مقصد ارائه کردند.

غیر از آثار راونشتاین و اورت لی که رویکرد جامعه‌شناسانه به پدیده‌ی مهاجرت داشتند، هربرت گروبل و آنتونی اسکات در مقاله‌ی «جریان بین‌المللی سرمایه انسانی» (۱۹۶۶) با رویکرد اقتصادی به این مسئله پرداختند. گروبل و اسکات در پژوهشی که انجام دادند، میزان اثرگذاری مهاجران ورودی و خروجی آمریکا را بر اقتصاد این کشور مورد ارزیابی قرار دادند (Grubel & Scott, 1966: 268-274). پژوهش‌های جدیدتر در آمریکا نیز اثرگذاری مثبت مهاجران بر رشد تجارت، افزایش نوآوری و توسعه آمریکا را تأیید کرده‌اند. اثر گروبل و آنتونی اسکات نیز از این لحاظ قابل نقد است که تنها به بررسی اثر ورود سرمایه انسانی به کشور مقصد (آمریکا) پرداخته است و اثرات آن بر کشورهای مبدأ و مهاجر فرست را مورد بررسی قرار نداده است.

در دهه ۱۹۶۰، آثار دیگری نیز با رویکردهای اقتصادی و اجتماعی در زمینه‌ی مهاجرت و خروج سرمایه انسانی نگاشته شدند. به عنوان مثال *برینلی توماس*^۱ در سال ۱۹۶۷ روندها و سیاست‌های مهاجرتی کشورهای مبدأ و مقصد را مورد بررسی قرار داد. وی در نهایت روندهای مهاجرتی را به ضرر کشورهای در حال توسعه ارزیابی کرد (Thomas, 1967: 479-506).

تمرکز آثار نگاشته‌شده تا دهه ۱۹۹۰، بیشتر بر کشورهای مقصد و به‌خصوص کشورهای توسعه‌یافته بود. از دهه ۱۹۹۰ به بعد، روند صعودی پژوهش‌های مرتبط با مهاجرت و تأثیر آن بر توسعه‌ی کشورهای مبدأ آغاز شد. در این زمینه می‌توان به اثر اندرو ماونفورد اشاره کرد. وی برخلاف روند معمول در پژوهش‌های این حوزه، معتقد بود که خروج سرمایه انسانی نه تنها منجر به کاهش توسعه در کشور مبدأ نمی‌شود، بلکه می‌تواند به رشد و توسعه‌ی آن هم بیافزاید (Mounford, 1997: 287-303). گرچه ایده‌ی ماونفورد در مورد اثرگذاری مثبت خروج سرمایه انسانی، در مورد برخی کشورهای محدود صدق می‌کند، اما رویکرد خوش‌بینانه‌ی وی توسط پژوهش‌های تجربی بسیاری که بعد از وی انجام گرفت، رد شد.

با آغاز قرن بیستم، توسعه به عنوان یکی از دستور کارهای مهم سازمان‌های بین‌المللی

مطرح شد. در این راستا، نهادها و مؤسسات اقتصادی و سیاسی بسیاری از جمله «سازمان ملل»، اتحادیه اروپا، بانک جهانی، «اداره ملی تحقیقات اقتصادی آمریکا»^۱، «مرکز بررسی و تحلیل مهاجرت»^۲ و... پدیده‌ی مهاجرت و خروج سرمایه انسانی را مورد بررسی قرار دادند. در این دوره، پژوهش‌های این حوزه گستره‌ی موضوعی و جغرافیایی کلان‌تری پیدا کرد. همچنین رویکردهای جدیدتر تلاش داشتند آثار مثبت و منفی مهاجرت و خروج سرمایه انسانی را هم بر کشورهای مبدأ و هم بر کشورهای مقصد مورد بررسی قرار دهند. علاوه بر این، با ظهور مسائل جدیدی از قبیل تروریسم، پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی و امنیتی پدیده‌ی مهاجرت تأکید داشتند، در حالی که مسائلی همچون توسعه برای پژوهشگران کشورهای در حال توسعه از قبیل ایران، اهمیت و جذابیت بیشتری داشت.

پژوهشگران متأخر به‌طور خاص بر اثرات خروج سرمایه انسانی بر کشورهای فرستنده و همچنین برخی سیاست‌های این حوزه، از جمله کمک‌های اقتصادی، گسترش روابط تجاری و همچنین انتقال درآمدها توسط مهاجران تمرکز کردند. به‌عنوان مثال، تمرکز کاری هاس، عمدتاً بر یکی از شاخص‌های اثرگذار یعنی درآمدهای رمیتنسی بوده است که البته جامع بودن آن را زیر سؤال می‌برد (Hass, 2005). پژوهشگران دیگری همچون فردریک دوکوایر^۳ اثرات دوگانه‌ی مهاجرت و خروج سرمایه انسانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. اثر دوکوایر را می‌توان از جمله جامع‌ترین و جدیدترین نگاه‌ها در حوزه‌ی خروج سرمایه انسانی دانست؛ چراکه به‌صورت همزمان به آثار مثبت و منفی این پدیده بر توسعه‌ی کشورها پرداخته است (Docquier, 2014). پژوهشگران دیگری همچون ژاکلین وها^۴ مسائل خاصی همچون بازگشت سرمایه‌های انسانی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر بر توسعه در کشورهای مبدأ مورد مطالعه قرار دادند (Jackline, 2015: 123).

تحقیقات بعدی با تمرکز بر محورهایی همچون اثرات بلندمدت مهاجرت و خروج سرمایه انسانی بر کشورهای مبدأ و مقصد (Julian di Giovanni et Al, 2014)، اثر خروج سرمایه انسانی بر رفاه جهانی (Costanza et Al, 2016)، اثرات مهاجرت بر شاخص‌های کلان توسعه در کشورهای مبدأ و مقصد (Ahmed et Al, 2016) و... انجام شده است.

1 The National Beauru of Economic Research
2 Centre for Research and Analysis of Migration
3 Frederic Docquier
4 Jackline Wahba

ادبيات پښوېش مهاجرت در ايران و تركيه نيز سابقه‌ي نسبتاً طولاني دارد، هرچند تركيه سال‌ها قبل از ايران با اين مسئله مواجهه بوده است. به‌طور خاص، در ايران از سه دهه پيش مسئله‌ي مهاجرت با كليدواژه‌ي فرار مغزها پيوند خورده است. عمده پښوېش‌هايي كه در ايران انجام‌شده، با رويكرد جامعه‌شناسانه و اقتصادي بوده است. ضعف پښوېشگران سياسي و روابط بين‌الملل در پرداختن به اين مسئله كه به‌خصوص در ايران، از مؤلفه‌هاي سياسي پررنگي برخوردار است، از مهم‌ترين نواقص ادبيات پښوېش مربوط به مهاجرت و خروج سرمايه انساني است.

در چارچوب رويكرد اقتصادي، خاوري نژاد با استفاده از «نظريه‌ي كشش مقصد، دافعه‌ي مبدأ» آثار خاص خروج سرمايه انساني بر توسعه‌ي علم، دانش و فناوري در ايران را بررسي كرده است. در اين حوزه، خاوري نژاد با تمايز بين چرخش سرمايه انساني و خروج سرمايه انساني، اولي را مثبت و دومي را مخرب ارزيابي كرده است. خاوري نژاد جريان چرخشي سرمايه انساني را مفيد ارزيابي مي‌كند، اما جريان يك طرفه به سمت خارج از كشور را زيان بار مي‌داند. طايبي با رويكرد جامعه‌شناسانه و با استفاده از نظريه جاذبه و دافعه، بيشتر چراني وقوع پديده‌ي مهاجرت و خروج سرمايه انساني از ايران را تحليل كرده است (طايبي، ۱۳۸۷). پښوېشگران ديگري همچون شهرام‌نيا و اسكندري نيز ضمن بررسي الگوهاي مهاجرتي در سطوح خرد و كلان، بيشتر به علل و عوامل مهاجرت از ايران پرداخته‌اند. آن‌ها همچنين با رويكرد سياسي، توصيه‌هايي را جهت تسهيل فرايند بازگشت سرمايه‌هاي انساني ارائه مي‌كنند. (شهرام نيا و اسكندري، ۱۳۸۸: ۷۰-۴۷) برخي ديگر از پښوېش‌هايي كه در ايران انجام‌شده، براقشار خاص همچون دانشجويان، اقليت‌ها، پزشكان و ... پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، در اين حوزه مي‌توان به علاء‌الديني اشاره كرد كه با استفاده از روش پيمائشي، متوسط تمايل به مهاجرت پزشكان ايراني را بررسي كرده و به رقم ۵۳،۳ درصد مي‌رسد (علاء‌الديني، ۱۳۸۴: ۱۵-۹).

تركيه در سال‌هاي پس از جنگ جهاني دوم با تهديدات داخلي و خارجي بي‌شماري مواجه بود. بيكاري فزاينده در اين كشور و همچنين موقعيت جغرافيايي آن باعث شده بود تا رشد كمونيسم به‌عنوان يكي از تهديدات بالقوه در جامعه تركيه مطرح شود. همين عامل باعث شد تا قدرت‌هاي غربي نيز تلاش كنند ضمن پيگيري اهداف خود، بخشي از مشكلات اجتماعي تركيه را رفع كنند. پذيرش تعداد قابل توجهي از مهاجران تركيه‌اي توسط آلمان و ساير كشورهاي اروپايي، در اين راستا بود. اين فرايند از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد كه بلافاصله ادبيات پرحجمي نيز در اين زمينه توليد شد. پښوېش‌هاي اوليه در تركيه عمدتاً رويكرد

اقتصادی داشته و تأثیرات مهاجرت نیروی کار ترکیه بر کاهش بیکاری و رشد اقتصادی در ترکیه را مورد سنجش قرار می‌دادند.

در دهه ۱۹۹۰ تحول چشمگیری در پژوهش‌های انجام‌شده در ترکیه به وجود آمد؛ تا جایی که نگاه جامع‌تری به مسئله مهاجرت شد. در این زمینه، به‌عنوان مثال، می‌توان به مقاله/حمد آگ‌گوندوز^۱ تحت عنوان «مهاجرت نیروی کار از ترکیه به اروپای غربی بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۴» اشاره کرد که در آن یکی از دلایل عمده‌ی جذب نیروی کار ترکیه از جانب کشورهای اروپای غربی، از کار افتادن نیروی کار جنوب اروپا ذکر شده است که سابقاً به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع سرمایه‌های انسانی از جانب اروپا مورد استفاده قرار می‌گرفت. نویسنده مراحل خروج گسترده‌ی سرمایه‌های انسانی از ترکیه را به دو فاز یا روند شامل فاز اول در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و فاز دوم در دهه‌های بعدی تقسیم می‌کند (Ahmet Akgündüz, 1993: 153-194).

در ترکیه نیز همچون ایران، ادبیات جدیدتر، بیشتر بر اқشار، اقلیت‌ها و طبقات مختلف ترکیه تمرکز داشته است. در ترکیه توجه ویژه‌ای بر مهاجرت دانشجویان و عدم بازگشت آن‌ها شده است. مهم‌ترین کشور مقصدی که در ترکیه مورد بررسی قرار می‌گیرد، آلمان است، چراکه بیشترین حجم ترکیه‌ای‌های خارج از این کشور، در آلمان هستند (Başak Bilecen Süoğlu, 2012: 61-84). علل مهاجرت و خروج از ترکیه نیز به‌صورت گسترده توسط پژوهشگران ترکیه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله پرچم‌ترین موضوعات در ترکیه عبارت‌اند از خروج دانشجویان، علل مهاجرت، همچون بی‌ثباتی سیاسی، شرایط امنیتی، وضعیت کلی اقتصاد و به‌خصوص بیکاری (Aysit & Güngör, 2002).

علاوه بر بررسی جغرافیایی که از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه‌ی مهاجرت انجام شد، رویکرد و مواضع پژوهشگران در حوزه‌ی اثرگذاری مثبت یا منفی بر توسعه را نیز می‌توان در سه گروه کلی دسته‌بندی کرد. گروه اول عمدتاً معتقد به اثرگذاری منفی خروج سرمایه انسانی بر توسعه هستند. این گروه در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، عمدتاً رئالیست‌ها و ملی‌گرایان هستند. به‌طورکلی، گرایش آن‌ها مبتنی بر تشدید سیاست‌های مهاجرتی برای جلوگیری از گسترش این فرایند است. عمده پژوهشگران ایران و ترکیه‌ای در حوزه‌ی مهاجرت، در این گروه جای می‌گیرند. در مقابل گروه دوم که عمدتاً رویکردی لیبرال در اقتصاد سیاسی دارند، معتقد به آثار مثبت مهاجرت و خروج سرمایه انسانی بر کشورهای مبدأ و مقصد هستند. آن‌ها دلایلی همچون افزایش سطح تخصص مهاجران، کاهش بیکاری در کشور مبدأ، ارسال

درآمدهای برگشتی و ... را مطرح می‌کنند. در نهایت، گروه سوم هستند که رویکرد جامع‌تری به پدیده مهاجرت دارند. آن‌ها مهاجرت را پدیده‌ای با آثار محتمل دوگانه بر توسعه در کشورهای مبدأ و مقصد می‌دانند. بر اساس ایده‌های این گروه، مهاجرت هم می‌تواند باعث بهبود توسعه در کشور مبدأ شود و هم باعث کاهش توسعه.

یکی از نقدهای عمده در ادبیات پژوهش در سطح ملی، عدم توجه به اثرات دوگانه‌ی خروج سرمایه انسانی بر توسعه بوده است. این مسئله باعث شده تا اکثر قریب به اتفاق پژوهشگران ایران و حتی ترکیه، خروج سرمایه انسانی را یک پدیده‌ی مطلقاً منفی ارزیابی کنند. این در حالی است که بررسی زیرشاخص‌های خروج سرمایه انسانی از جمله در حوزه درآمدهای برگشتی^۱ نشان‌دهنده‌ی اثرگذاری مثبت برخی از جنبه‌های مهاجرت و خروج سرمایه انسانی بر توسعه است. لذا پژوهش حاضر را نیز می‌توان در گروه سوم دسته‌بندی کرد، چراکه تلاش دارد اثرات مثبت و منفی خروج سرمایه انسانی را به صورت هم‌زمان مورد بررسی قرار دهد.

یکی دیگر از نقدهای عمده در پژوهش‌های بررسی شده، تأکید بیش از حد بر علل مهاجرت و خروج سرمایه انسانی است. این نقد به خصوص در پژوهش‌های کارشده در ایران چشمگیر است. گرچه بررسی علل خروج سرمایه انسانی حائز اهمیت است، اما مکانیسم‌های اثرگذاری آن بر فرایند توسعه و همچنین مقایسه آن با کشورهای مشابه ایران که از تجارب بیشتری برخوردارند، موضوعی تازه در این عرصه است و پژوهش حاضر این هدف را به دنبال دارد.

مسئله‌ی دیگری که در پژوهش‌های پیشین نادیده گرفته شده، تفکیک شاخص‌های مختلف خروج سرمایه انسانی بر اساس آثاری است که بر توسعه‌ی کشور مبدأ می‌گذارد. لذا در این پژوهش ضمن تفکیک شاخص‌های مختلف پدیده‌ی مهاجرت، آن‌ها را در قالب زیرشاخص‌های توسعه‌پذیر و ضد توسعه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲. چارچوب نظری

در این مقاله مفاهیم و نظریات متعددی مورد بررسی قرار گرفته است، اما با توجه به ضعف نظریه‌های روابط بین‌الملل در پرداختن به مباحثی همچون مهاجرت و جریان بین‌المللی سرمایه انسانی، تلاش شده است با استفاده از نظریه‌ی داده‌بنیاد، به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده شود. به هر جهت، مفهوم سرمایه انسانی در کنار جریان بین‌المللی سرمایه انسانی، موضوع محوری این پژوهش است و لذا ادبیات مفهومی و نظری آن‌ها تشریح

می‌شود که البته بخش عمده‌ی آن خارج از چارچوب نظریات روابط بین‌الملل است.

کلیدی‌ترین مفهوم در مقاله‌ی حاضر، مفهوم «سرمایه انسانی» است. این مفهوم در دهه ۱۹۶۰ توسط «گری بکر»^۱ و بعدها توسط «تئودور شولتز»^۲ مطرح شد (Schultz, 1971: 692). سرمایه انسانی در کنار سرمایه‌های طبیعی، فرهنگی و اجتماعی یکی از عوامل مهم توسعه محسوب می‌شود. انسان‌ها به‌واسطه توانایی‌شان در تولید ارزش و ثروت، سرمایه انسانی نامیده می‌شوند. سرمایه انسانی تلفیقی از ویژگی‌های ژنتیک، توانمندی‌های احرازشده، مهارت‌ها و تجربه‌های کسب‌شده توسط فرد در طول زندگی است. سرمایه انسانی نیرویی است که در فرد فعال شده، توان و امکان او را برای تولید ارزش اقتصادی افزایش می‌دهد (صنوبری، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۲۰ و متوسطی، ۱۳۸۱).

در حوزه‌ی مهاجرت و جریان بین‌المللی سرمایه انسانی، نظریات متعددی ارائه شده است که تلاش می‌شود به‌صورت خلاصه به برخی از آن‌ها اشاره شود:

نظریه‌ی جاذبه و دافعه: «ارنست گئورگ راونشتاین»^۳ از جمله اولین نظریه‌پردازان در حوزه‌ی مهاجرت و جریان بین‌المللی سرمایه انسانی بود. وی در سال ۱۸۸۰ «نظریه مهاجرت»^۴ را ارائه داد. بعدها نظریه وی تحت عنوان نظریه جاذبه و دافعه تکامل یافت (Chisholm, 1922). پس از راونشتاین یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان مهاجرت و جریان بین‌المللی سرمایه انسانی «اورت لی»^۵ بود. وی در نظریه خود که در دهه ۱۹۶۰ مطرح کرد، عوامل جاذبه و دافعه را تکامل کرد (Everett, 1966: 47-57).

نظریه‌ی سرمایه انسانی: این نظریه در دهه ۱۹۶۰ برای تحلیل مهاجرت به کار گرفته شد که بر اساس آن، سرمایه انسانی، معمولاً از مناطق کم‌بازده به سمت مناطق پربازده جریان پیدا می‌کند (ارشاد، ۱۳۸۳: ۶۶۷-۶۶۶).

نظریه‌ی «چرخه‌های اقلیمی»^۶: این نظریه بر دلایل اقلیمی به‌عنوان ریشه‌های مهاجرت و خروج سرمایه انسانی تمرکز داشت (Terminski, 2012).

نظریه‌ی اقتصاد نئوکلاسیک در زمینه مهاجرت^۷: این نظریه دلیل اصلی مهاجرت و خروج سرمایه انسانی را تفاوت در میزان دستمزد نیروی کار بین مبدأ و مقصد می‌داند.

- 1 Gery Becker
- 2 Theodore Schultz
- 3 Ernst Georg Ravenstein
- 4 Theory of migration
- 5 Everett S. Lee
- 6 Climate cycles
- 7 Neoclassical economic theory

نظريه ي بازار دوگانه^۱: اين نظريه بيشتر بر کشورهای توسعه یافته به عنوان کشورهای عمدتاً مقصد و عوامل جاذبه در آن‌ها تمرکز کرده است. بر اساس اين نظريه، بازار کار در کشورهای توسعه یافته به دو حوزه تقسيم می‌شود که عبارت‌اند از بازار اوليه که نیازمند نیروی کار ماهر است و بازار ثانويه که بيشتر نیازمند نیروی کار غيرماهر است (Jennessen, 2007: 36-411).

نظريه ي اقتصاد جديد مهاجرت نیروی کار^۲: اين نظريه تلاش دارد نقش نهادهای اجتماعی از جمله خانواده را در جريان خروج سرمایه انسانی مورد بررسی قرار دهد.

نظريه ي محرومیت نسبی^۳: «منگلام»^۴ و «شوار زولر»^۵ در چارچوب نظريه ي محرومیت نسبی معتقدند که سرمایه‌های انسانی بر اساس هر می سلسله مراتبی از ارزش‌ها جريان می‌یابند؛ بنابراین محرومیت از ارزش‌های مهم در یک کشور می‌تواند به خروج سرمایه انسانی به سمت کشوری که آن ارزش‌ها ارائه می‌شود، بیانجامد.

نظريه ي نظام جهانی^۶: اين نظريه خروج گسترده ي سرمایه انسانی از کشورهای پیرامون به سمت کشورهای مرکز را بخشی از فرایند استثماری نظام جهانی سرمایه‌داری می‌داند.

نظريه ي نظام آموزشی اقتباسی: بر اساس اين نظريه، دليل اصلی مهاجرت سرمایه انسانی، نظام‌های آموزشی هستند. بر این اساس، با توجه به اینکه عمده نظام‌های آموزشی فعلی بر اساس الگوی غربی طراحی شده‌اند، با فرهنگ، نیازها و شرایط خاص آنجا مطابقت بیشتری دارد. این عامل باعث می‌شود تا نخبگان سایر کشورها تمایل بیشتری برای مهاجرت به غرب داشته باشند (ذاکری صالحی، ۱۳۸۳: ۱۹۷-۱۹۱).

در طول قرن بیست، نظریات و مدل‌های بسیار دیگری مطرح شدند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مدل جاذبه‌ی مهاجرت^۷، اصطکاک فاصله^۸، مدل پرتو تحرک انسان^۹، نظريه ي بافر^{۱۰}، نظريه ي فرصت‌های مداخله^{۱۱}، مدل زلینسکی^{۱۲}، نظريه ي اقتصادهای کار^{۱۳} و ... اشاره کرد. فارغ از نظریات متعددی که در حوزه مهاجرت و خروج سرمایه انسانی

- 1 Dual labor market theory
- 2 New economics of labor migration
- 3 Relative deprivation theory
- 4 Manglam
- 5 Shovar Zoler
- 6 World systems theory
- 7 Gravity model of migration
- 8 Friction of distance
- 9 Radiation law for human mobility
- 10 Buffer theory
- 11 Theory of intervening opportunities
- 12 Zelinsky Model
- 13 Labour economics

مطرح شده، نظریه‌ی جاذبه و دافعه را می‌توان جامع‌ترین نظریه در این حوزه دانست، چراکه از توانایی تجمیع‌سازی سایر نظریات نیز برخوردار است. علاوه بر این، نظریه‌ی جاذبه و دافعه در عین حال، هم به عوامل موجود در کشور مبدأ توجه دارد و هم به عوامل موجود در کشور مقصد (جعفری معطر، ۱۳۸۷: ۳۹).

به‌طورکلی، از بررسی ادبیات مفهومی و نظری این نتیجه حاصل می‌شود که نظریات روابط بین‌الملل توجه بسیار کمی به پدیده مهاجرت و خروج سرمایه انسانی داشته‌اند. این در حالی است که با توجه به ظهور مفهوم امنیت انسانی، می‌بایست در محور گفتمان روابط بین‌الملل قرار گیرند. عدم توجه کافی نظریات سیاسی و روابط بین‌الملل باعث شده تا توجه به این پدیده در سایر رشته‌ها از جمله علوم اجتماعی و اقتصاد پررنگ‌تر شود. در رشته‌ی علوم اجتماعی بیش از توجه به آثار و زمینه‌های سیاسی مسئله‌ی مهاجرت و خروج سرمایه انسانی، به ریشه‌های اجتماعی آن پرداخته شده است. این در حالی است که در عصر حاضر، بخش بزرگی از موج‌های مهاجرتی و همچنین خروج سرمایه انسانی به دلایل سیاسی به وقوع می‌پیوندد. در این حوزه، نظریات اقتصادی نیز از غلبه‌ی رویکرد لیبرال در زمینه‌ی مهاجرت رنج می‌برند و عمدتاً فرآیند خروج سرمایه انسانی را برای اقتصاد کشورهای مبدأ و مقصد مثبت ارزیابی می‌کنند.

با توجه به مطالبی که گفته شد، در این مقاله تلاش می‌شود عمدتاً با رویکردی سیاسی و بین‌المللی، به آثار مهاجرت و خروج سرمایه انسانی بر توسعه کشورهای مبدأ همچون ایران و ترکیه پرداخته شود.

۳. تأثیر مهاجرت بر توسعه در سطوح جهانی و ملی

با استناد به داده‌ها و منابع مطالعه‌شده، مهاجرت و خروج سرمایه انسانی اثر مثبتی بر توسعه در سطح جهان دارد. البته این وضعیت برای مهاجرت اجباری صدق نمی‌کند. با وجود این، مهاجرت اجباری درصد کمی (۳٫۵ درصد) از کل مهاجرت را به خود اختصاص داده است. به هر ترتیب، جریان بین‌المللی سرمایه انسانی به صورت معناداری باعث افزایش رفاه و توسعه اقتصاد جهانی به میزان ۱٫۴۳ درصد شده است؛ بنابراین مهاجرت را می‌توان یک پدیده مثبت در اقتصاد جهانی دانست (Costanza, 2016).

البته افزایش رفاه جهانی به معنی افزایش سطح رفاه در هر یک از کشورها نیست؛ بنابراین گرچه جریان بین‌المللی سرمایه انسانی بر بهبود توسعه در سطح جهان اثر مثبت داشته است،

امدار این معادله برخی کشورها زیان دیده و برخی دیگر نیز منتفع شده‌اند. با استناد به مطالعات انجام شده در سطح بین‌المللی، رفاه و درآمد سرانه‌ی ایرانی‌ها به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه، تنها به دلیل خروج سرمایه انسانی و ارتباط کم آن‌ها با کشور، به مقدار بیش از ۱٫۴ درصد کاهش پیدا کرده است. طبعاً نقطه‌ی مقابل چنین وضعیتی، کشورهایی هستند که از جریان بین‌المللی سرمایه انسانی سود برده‌اند. در این زمینه، می‌توان به آمریکا و کانادا به‌عنوان منتفع‌ترین کشورهای جهان نام برد. درآمد سرانه‌ی شهروندان آمریکایی در اثر ورود سرمایه‌های انسانی، به میزان ۴٫۱۷ درصد و درآمد سرانه شهروندان کانادایی به میزان ۶٫۵۸ درصد بهبود یافته است. از جمله علل مهم این امر می‌توان در مهاجرپذیر بودن این کشورها و همچنین شرایط مناسب اقتصادی دانست (Costanza, 2016).

ترکیه نیز تا سال‌های پایانی قرن بیستم از جمله کشورهایی بوده که همچون بنگلادش، کرواسی و صربستان منافع بسیاری را از قبل مهاجران خود در سایر کشورها دریافت کرده است؛ اما وضعیت این کشور نیز در دو دهه اخیر به دلایلی از قبیل کاهش ارتباط شهروندان سابق ترکیه با کشور مبدأ و همچنین سیاست‌های امنیتی دولت ترکیه تغییر پیدا کرده است؛ بنابراین خروج سرمایه انسانی از ترکیه نیز بر اقتصاد این کشور اثر منفی گذاشته است که البته میزان اثرپذیری آن بسیار کمتر از ایران است. به عبارتی دقیق‌تر، درآمد سرانه‌ی شهروندان ترکیه در اثر خروج سرمایه انسانی از این کشور تنها به میزان ۰٫۱ درصد کاهش یافته است.

در جدول صفحه بعد، میزان اثرگذاری مهاجرت و خروج سرمایه انسانی بر رفاه برخی از مهم‌ترین کشورهای مهاجرفرست و مهاجرپذیر ذکر شده است که نشان‌دهنده‌ی عدم تعادل در کسب مزایای اقتصادی از پدیده مهاجرت، به خصوص برای کشورهای در حال توسعه است.

با استناد به داده‌های جدول، مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر این است که چرا خروج سرمایه انسانی منجر به کاهش توسعه در ایران و ترکیه شده و همچنین چرا این دو کشور با وجود شباهت در شاخص‌های جمعیتی و مهاجرتی، به میزان متفاوتی از این پدیده تأثیر پذیرفته‌اند؟ برای پاسخ به این سؤال، با استفاده از نظریه‌ی داده‌بنیاد، اصلی‌ترین شاخص‌های مهاجرتی مؤثر بر توسعه که دارای بیشترین فراوانی تکرار از جانب کارشناسان مختلف بوده، استخراج شده و مورد بررسی قرار می‌گیرند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از کمیت مهاجرت و خروج سرمایه انسانی، نرخ بازگشت مهاجران، کیفیت سرمایه انسانی خارج شده، درآمدهای برگشتی مهاجران، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و امنیتی شدن مهاجرت.

جدول ۱. تغییررفاه برخی از کشورهای مهاجرفرست و مهاجرپذیر ناشی از پدیده‌ی مهاجرت

کشور (مهاجرفرست)	تغییررفاه ناشی از مهاجرت	کشور (مهاجرپذیر)	تغییررفاه ناشی از مهاجرت
ایران	- ۱.۴۱٪	آمریکا	+ ۴.۱۷٪
ترکیه	- ۰.۱٪	کانادا	+ ۶.۵۸٪
چین	- ۰.۰۹٪	استرالیا	+ ۴.۸۲٪
هند	- ۰.۹۷٪	بریتانیا	+ ۲.۶۲٪
آفریقای جنوبی	- ۲.۴۸٪	سوئیس	+ ۴.۸۱٪
کوبا	- ۴.۷۱٪	لوکزآمبورگ	+ ۵.۱٪
گویان	- ۱۳.۵۹٪	جهان	+ ۱.۴۳٪

Source: Costanza Biavaschi Micha & Burzynski Benjamin Elsner Joël Machado (2016) The Gain from the Drain Skill-biased Migration and Global Welfare, Centre for Research and Analysis of Migration, Discussion Paper Series.

۳-۱. نرخ مهاجرت و بازگشت

ایران و ترکیه را می‌توان از جمله کشورهای مهاجرفرست در نظر گرفت که با نرخ بالایی از خروج سرمایه انسانی مواجه‌اند. هر دوی این کشورها از جمله مهم‌ترین کشورهای مبدأ در زمینه خروج سرمایه انسانی هستند. میزان مهاجران ایرانی خارجی از کشور بیش از ۵ میلیون نفر تخمین زده شده است. ترکیه نیز دارای یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های دیاسپورا در سطح جهانی است. تنها در اروپا مجموعاً ۹ الی ۱۰ میلیون ترکیه‌ای زندگی می‌کنند که در مقاطع مختلف زمانی به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. کمیت بالای خروج سرمایه انسانی از ایران و ترکیه، باعث شده تا بخش مهمی از نیروی کار این کشورها، از فرایند تولید ارزش برای کشور مبدأ خارج شوند (Cole, 2011: 122).

در کنار میزان مهاجرت، نرخ بازگشت مهاجران نیز از شاخص‌های کمی در بررسی مهاجرت محسوب می‌شود که اثرگذاری قابل توجهی بر توسعه دارد. سرمایه انسانی که پس از کسب تخصص به کشور مبدأ بازگشته، می‌تواند با وارد کردن دانش کشور مبدأ، انتقال سرمایه مالی، ایجاد اشتغال در کشور مبدأ و... بر توسعه اثرگذار باشند. در سطح جهانی، نرخ متوسط

بازگشت سرمایه انسانی در بازه زمانی پنج سال پس از مهاجرت، کمتر از ۴۰ درصد است (Wahba, 2015). اما نرخ بازگشت برای کشورهای در حال توسعه بسیار پایین‌تر است. ایران و ترکیه نیز از این قاعده مستثنا نیستند. حتی بر اساس برخی پژوهش‌های موردی که در سوئد انجام شده، میزان مطلق بازگشت مهاجران ایرانی ساکن سوئد کمتر از دو درصد بوده است (Klinthäll, Naghdi, 2010). در زمینه‌ی سیاست‌های تشویقی، ترکیه بهتر از ایران عمل کرده است. در بازه‌های زمانی مختلف تعداد قابل توجهی از مهاجران ترکیه‌ای به کشور خود بازگشتند. به‌عنوان مثال، از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰، حدود ۴ میلیون مهاجر ترکیه‌ای به کشور خود بازگشتند. البته روندهای بازگشتی تا حدودی تحت تأثیر سیاست‌های کشور مبدأ (ترکیه) و تا حدود بسیاری نیز تحت تأثیر سیاست‌های کشور مقصد (آلمان) است (Adaman, 2012). در حال حاضر، نرخ بازگشت مهاجران ترکیه‌ای در قیاس با ایران بسیار بهتر بوده و سالانه حداقل ۴۰ هزار مهاجر تنها از آلمان به ترکیه بازمی‌گردند (Durugonul, 2013: 412-421).

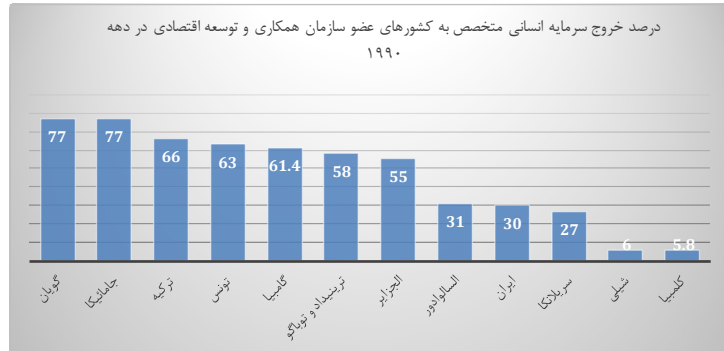
به‌طور کلی، می‌توان این ادعا را مطرح ساخت که در شاخص‌های کمی مربوط به مهاجرت و خروج سرمایه انسانی که در مؤلفه‌های میزان خروج و همچنین بازگشت نمود پیدا می‌کند، ایران وضعیت نامناسبی دارد. این در حالی است که ترکیه در زمینه‌ی کاستن نرخ خروج و همچنین سیاست‌های تشویقی در راستای بازگشت مهاجران بهتر از ایران عمل کرده است.

۲-۳. ترکیب و درصد متخصصان خروجی

نیروی انسانی متخصص را می‌توان سرمایه انسانی با کیفیت یا ماهر دانست. این گروه از سرمایه انسانی به دلیل اینکه از توان تولید ارزش بیشتری برخوردار بوده و همچنین هزینه‌های بیشتری صرف آن شده، تأثیرگذاری بیشتری نیز بر توسعه دارد. در این زمینه تا دهه ۱۹۹۰ میلادی، بیش از ۶۵ درصد مهاجران خروجی از ترکیه، جزو نیروی کار متخصص دسته‌بندی شده‌اند. این وضعیت باعث شده بود تا ترکیه به‌عنوان سومین کشور جهان از نظر خروج بالای نیروی متخصص شناخته شود. این در حالی بود که در همان مقطع زمانی، ۳۰ درصد از مهاجران خروجی از ایران، نیروی متخصص و با کیفیت بوده‌اند. این آمار برای ایران حدود ۳۰ درصد بوده و ایران در جایگاه نهم قرار داشته است؛ بنابراین در زمینه‌ی خروج نیروی متخصص تا دهه ۱۹۹۰ میلادی، ایران از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار بوده است (محمدی الموتی، ۱۳۸۳).

نمودار ۱. درصد خروج سرمایه انسانی متخصص به کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

در دهه ۱۹۹۰



منبع: محمدی الموتی، مسعود (۱۳۸۲) جهانی شدن و مهاجرت نخبگان: بررسی تجربه ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵.

داده‌های جدیدتر در زمینه‌ی مهاجرت و خروج سرمایه انسانی، نشان دهنده‌ی تحولات اساسی در ترکیب سرمایه انسانی خارج شده از این دو کشور است. در شرایط کنونی، بیش از ۵۰ درصد مهاجرانی که از ایران خارج می‌شوند، (۴۲۴ هزار نفر از ۸۴۵ هزار نفر)، نیروی انسانی متخصص و ماهر محسوب می‌شوند. این در حالی است که ترکیه توانسته درصد متخصصان خروجی خود را به زیر ۱۰ درصد (۲۵۱ هزار نفر از ۲ میلیون و ۵۵۰ هزار نفر) کاهش دهد (World Migration in Figures, 2013: 6).

این مسئله نشان دهنده‌ی این است که تا دهه ۱۹۹۰ ایران با مهاجرت کمتر سرمایه انسانی متخصص و ماهر در مقایسه با ترکیه مواجه بوده، اما این روند، به مرور معکوس شده و در شرایط فعلی ایران از جمله کشورهایی است که با بیشترین میزان خروج سرمایه‌های انسانی متخصص مواجه است.

۳-۳. درآمدهای برگشتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

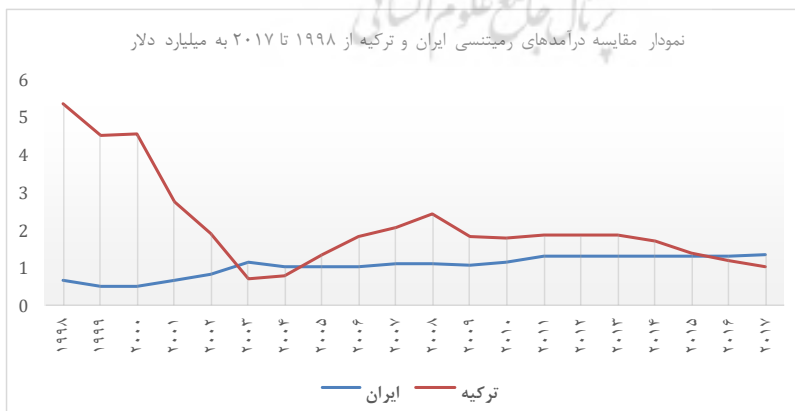
درآمدهای برگشتی (ریمیتنس)، نوعی از منابع مالی هستند که مهاجران در کشور مقصد کسب کرده و به طرق مختلف (پول، کالا یا خدمات) به کشور مبدأ ارسال می‌کنند. در بسیاری از مدل‌های اقتصادی، اثرگذاری مثبت درآمدهای برگشتی بر توسعه‌ی کشور مبدأ تأیید شده است. در سطح جهانی، میزان درآمدهای برگشتی که از کشورهای پردرآمد به کشورهای با درآمد پایین یا متوسط سرازیر شده در سال ۲۰۱۴ معادل ۴۳۱ میلیارد دلار بوده (World Bank Group, 2016: 34) که در سال ۲۰۱۷ به میزان ۴۶۶ میلیارد دلار افزایش پیدا

کرده است. کشورهای هند و چین با دریافت بیش از ۶۰ میلیارد دلار درآمدهای برگشتی، در صدر جدول کشورهای دریافت‌کننده رमितنس قرار دارند. کشورهای فیلیپین (۳۳ میلیارد)، مکزیک (۳۱ میلیارد)، نیجریه (۲۲ میلیارد) و مصر (۲۰ میلیارد) در رده‌های بعدی بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان درآمدهای برگشتی قرار دارند (World Bank, 2018).

در قالب مقایسه، درآمدهای برگشتی ترکیه تا سال ۲۰۱۵ (به استثنای سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴) همواره از ایران بیشتر بوده است، اما از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ و به خصوص پس از امضای برجام که تبادلات مالی با ایران تسهیل شد، درآمدهای برگشتی ایران به میزان کمی از ترکیه بیشتر بوده است؛ اما به طور کلی وضعیت هر دو کشور ایران و ترکیه در جذب درآمدهای برگشتی چندان مساعد نیست. شهروندان ایران خارج از کشور سالانه مبلغی معادل ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار به ایران ارسال می‌کنند که با در نظر گرفتن تعداد زیاد ایرانیان خارج از کشور، رقم ناچیزی محسوب می‌شود (World Bank Group, 2018).

وضعیت ترکیه در جذب درآمدهای برگشتی به خصوص در قرن ۲۰ بسیار بهتر از ایران بوده است. در واقع یکی از اهداف اصلی ترکیه از ارسال نیروی کار به اروپا و به خصوص آلمان، کاهش بیکاری در ترکیه و همچنین کسب درآمدهای برگشتی بوده است. تحت تأثیر این سیاست، در حالی که در سال‌های دهه ۱۹۶۰ سالانه تنها ۹۳ میلیون دلار توسط مهاجران ترکیه‌ای به کشور مبدأ انتقال داده می‌شد، در دهه ۱۹۷۰ به ۱٫۴ میلیارد دلار، در دهه ۱۹۸۰ به بیش از ۲ میلیارد دلار و در پایان دهه ۱۹۹۰ به نرخ پنج میلیارد دلار در سال افزایش پیدا کرد (İçduygu, 2006).

نمودار ۲. مقایسه درآمدهای رमितنسی ایران و ترکیه از ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۷ (به میلیارد دلار)

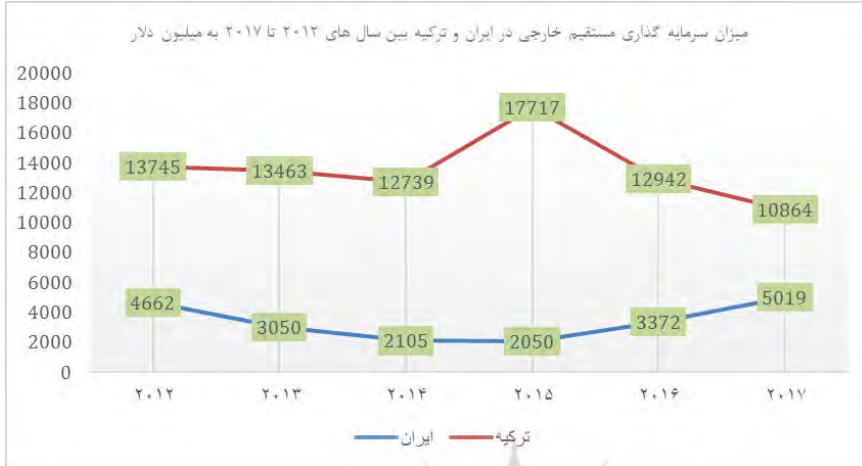


Source: World Bank (2018) Record high remittances to low- and middle-income countries in 2017

البته در شرایط کنونی درآمدهای برگشتی ترکیه نیز به شدت کاهش یافته است تا جایی که در چند سال اخیر درآمدهای برگشتی ایران از ترکیه بیشتر بوده است (The World Bank, 2017). نمودار زیر، روند نزولی ترکیه و روند صعودی ایران در کسب درآمدهای برگشتی را در دهه اخیر نشان می‌دهد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط دیاسپورا نیز تشابه کارکردی بسیاری با درآمدهای برگشتی دارد. در بسیاری از نظریات و مدل‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به خصوص در کشورهای در حال توسعه از عوامل مهم توسعه محسوب می‌شود. با علم به اینکه دیاسپوراها از منابع مهم سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه هستند، می‌توان به اهمیت نقش آنان در توسعه کشور مبدأ پی برد. در این زمینه هم ایران و هم ترکیه از ظرفیت‌های متعددی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی برخوردارند. اقتصاد ایران به تنهایی از ظرفیتی بیش از ۵۰ میلیارد دلار در زمینه‌ی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برخوردار است و سرمایه در دست دیاسپورای ایرانی نیز بیش از ۲۰۰۰ میلیارد دلار است (الیاسی، ۱۳۹۴). این در حالی است که در سال ۲۰۱۷ تنها به میزان ۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده است که عمده آن نیز نه از دیاسپورای ایرانی بلکه از غیرایرانیان بوده است (United Nations Conference on Trade and Development, 2018). البته ترکیه وضعیت بهتری در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. در حالی که اقتصاد این کشور، از ظرفیتی بیش از ۱۸۰ میلیارد دلار برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی برخوردار است، این کشور تنها توانسته ۱۰ میلیارد دلار جذب کند که بخش بزرگی از آن نیز توسط شهروندان خارجی انجام شده است (United Nations Conference on Trade and Development, 2018).

نمودار ۳. میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و ترکیه بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ (به میلیون دلار)



Source: United Nations Conference on Trade and Development (2018), World Investment Report 2017, United Nations Publication, New York and Geneva

نتیجه‌گیری

مهاجرت و خروج سرمایه انسانی از عوامل مهم و مؤثر بر فرآیند توسعه به خصوص در کشورهای در حال توسعه است. گرچه این پدیده عموماً منجر به کاهش توسعه اقتصادی در کشورهای مبدأ می‌شود، اما موارد کمی از جمله بنگلادش، صربستان، کرواسی و برخی از کشورهای آمریکای لاتین وجود دارد که خروج سرمایه انسانی نه تنها توسعه‌ی آن‌ها را کاهش نداده، بلکه به عنوان یکی از عوامل توسعه نیز مطرح شده است. در مورد ایران و ترکیه، با استناد به مطالعاتی که انجام شد، مشخص شد که تحت تأثیر پدیده‌ی مهاجرت و خروج سرمایه انسانی فرایند توسعه به میزان متفاوتی کند شده است. در زمینه‌ی رفاه و درآمد سرانه که از شاخص‌های مهم توسعه محسوب می‌شود، اقتصاد ایران به میزان ۱۴٫۱ درصد و اقتصاد ترکیه نیز به میزان ۱٫۰ درصد کاهش داشته است. برای تبیین علل اثرگذاری متفاوت مهاجرت و خروج سرمایه انسانی بر توسعه دو کشور، مهم‌ترین شاخص‌های مهاجرتی را که بر توسعه اثرگذارند، استخراج کرده و مورد مقایسه قرار دادیم. از بین ۳ شاخص اصلی که استخراج شدند، تنها در یک مؤلفه از شاخص اول یعنی کمیت خروج سرمایه انسانی، ایران و ترکیه از وضعیت نسبتاً مشابهی برخوردار بودند، در سایر شاخص‌ها و مؤلفه‌ها همچون نرخ بازگشت مهاجران، ترکیب تخصص مهاجران به کل مهاجران، درآمدهای برگشتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ترکیه وضعیت بهتری در قیاس با ایران دارد و همین عامل نیز باعث شده تا فرایند توسعه در این

کشور تأثیر منفی کمتری از پدیده‌ی مهاجرت در قیاس با ایران ببیند.

بنابراین گرچه مهاجرت و خروج سرمایه انسانی در بسیاری از موارد اثر منفی بر توسعه‌ی کشورهای مبدأ دارند، اما مواردی وجود دارد که عکس این رابطه را نیز اثبات می‌کند. این وضعیت نشان‌دهنده‌ی این مسئله است که توسعه به‌عنوان یک متغیر وابسته، علاوه بر خود پدیده‌ی مهاجرت، از سیاست‌های مهاجرتی و وضعیت کلی کشورهای مبدأ و مقصد نیز اثر می‌پذیرد. لذا سیاست‌گذاری صحیح کشور مبدأ می‌تواند تا حدود زیادی در زمینه‌ی مثبت‌سازی اثر مهاجرت بر توسعه، کارساز واقع شود. در این چارچوب نیز یکی از مهم‌ترین موانع اثرگذاری مثبت مهاجرت و خروج سرمایه انسانی بر توسعه کشور مبدأ، غلبه‌ی نگاه امنیتی به مهاجرت و خروج سرمایه انسانی است. غلبه‌ی نگاه امنیتی به پدیده‌ی مهاجرت باعث می‌شود تا سرمایه انسانی کارکرد اقتصادی خود را در کشور مبدأ از دست دهد و همین عامل باعث تشدید اثرگذاری منفی شاخص‌های مهاجرتی بر توسعه شود. توسعه‌ی کشور مبدأ زمانی بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد که علاوه بر کشور مبدأ، کشور مقصد نیز نگاه امنیتی به مهاجران ورودی از کشور خاصی داشته باشد. سیاست‌های مهاجرتی سفت‌وسخت همچون ممنوعیت ورود از کشورهای خاص، تحریم و بازداشت شهروندان، ممنوعیت ارتباطات مالی و... نمودهایی از این سیاست‌ها هستند.

با توجه به آنچه گفته شد، با اتخاذ رویکرد سیاستی، می‌توان برخی پیشنهادهای و توصیه‌ها را در این زمینه به شرح زیر مطرح ساخت:

عدم اتخاذ رویکردهای سخت: با توجه به اینکه مهاجرت یک پدیده‌ی عمدتاً اجتماعی و اقتصادی است، اتخاذ رویکرد سخت از جمله ایجاد موانع حقوقی و ساختاری برای مهاجرت عموماً نتیجه مطلوبی در پی ندارد.

۱. سیاست‌های تشویقی در راستای تسهیل بازگشت مهاجران به کشور و افزایش نرخ بازگشت.

۲. حفظ و یا جذب سرمایه انسانی متخصص و باکیفیت.

۳. جذب درآمدهای برگشتی از دیاسپورای ایرانی.

۴. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دیاسپورای ایرانی.

۵. کاهش نگاه امنیتی به مهاجران و پدیده مهاجرت

منابع

الف) منابع فارسي

استادی، حسین؛ رفعت، بتول؛ رئيسی، عباسعلی. (۱۳۹۲). نقش سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي (FDI) در رشد اقتصادي ايران (۱۳۸۷-۱۳۵۷) و بررسی رابطه متقابل آن‌ها، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، شماره نهم، صص. ۱۷۰-۱۴۸.

ارشاد، فرهنگ. (۱۳۸۳). مباني نظري فرار مغزها برحسب شکل‌گیری الگوهای مختلف آن در شرایط کنونی، مسائل اجتماعی ایران، شماره ۵، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
جعفری معطر، فریدون. (۱۳۸۷). مهاجرت نخبگان (بررسی زمینه‌های مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان نخبه به مهاجرت از کشور)، چاپ اول، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

ذاکری صالحی، غلامرضا. (۱۳۸۳). درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی، چاپ اول، تهران: کویر.

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ کریم کشته، محمدحسین؛ محمودی، عبدالله. (۵۸۳۱). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران)، پژوهشنامه بازرگانی، تابستان ۱۳۸۵، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص. ۸۱-۳۹.

شهرام نیا، امیرمسعود؛ اسکندری، مجید. (۱۳۸۸). ابعاد، ریشه‌ها و پیامدهای فرار مغزها از پیرامون به مرکز (مطالعه موردی ایران)، ره‌آورد سیاسی، تابستان و پاییز ۱۳۸۸، سال هفت، شماره ۲۴ و ۲۵، صص. ۷۰-۴۷.

صنوبری، محمد. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر سرمايه‌انسانی (مفاهیم، ویژگی‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری)، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره ۲۲، فروردین و اردیبهشت.

طایفی، علی. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی فرار مغزها، آلمان: نشر فروغ.

طهماسبی، جواد. (۱۳۹۱). شاخص توسعه انسانی و مقام ایران در جایگاه جهانی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، گزارش راهبردی، شماره ۱۵۹، آذر ۱۳۹۱.

علاء‌الدینی، فرشید و همکاران. (۱۳۸۴). میزان تمایل به مهاجرت و علل آن در پزشکان ایرانی، حکیم، پاییز ۱۳۸۴، دوره ۸، شماره ۳، صص. ۱۵-۹.

کریمی پتانلار، سعید. (۱۳۹۳). اثر سرمايه انسانی بر جریان سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي در کشورهای منتخب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، رشته علوم اجتماعی.

- متوسلی، محمود؛ آهنچیان، محمدرضا. (۱۳۸۱) **اقتصاد آموزش و پرورش**، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- محمدی الموتی، مسعود. (۱۳۸۳). **جهانی شدن و مهاجرت نخبگان: بررسی تجربه ایران**، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۵۱.
- وقوفی، حسن. (۱۳۸۰). **فرار مغزها (بررسی مهاجرت نخبگان از زوایای گوناگون)**، چاپ اول، تهران: زهد.

الف) منابع انگلیسی

- Adaman, Fikret; Kaya, Ayhan. (2012). *Social Impact of Emigration and Rural-Urban Migration in Central and Eastern Europe*, **European Commission**, DG Employment, Social Affairs and Inclusion
- Ahmed, S. Amer; Go, Delfin Sia; Willenbockel, Dirk Andreas. (2016). *Global migration revisited: short-term pains, long-term gains, and the potential of south-south migration* (English). **Policy Research working paper**, no. WPS 7628; Paper is funded by the Knowledge for Change Program (KCP). Washington, D.C.: World Bank Group
- Ahmet, Akgündüz. (1993). **Labour Migration from Turkey to Western Europe 1960**
- Aysit, Tansel; Nil Demet, Güngör. (2002). *Brain Drain from Turkey: Survey Evidence of Student Non-Return*, **Working Paper 0307**
- Başak, Bilecen Süoğlu. (2012). *Trends in Student Mobility from Turkey to Germany*, **Perceptions**, Volume XVII, Number 2, pp. 61-84
- Chisholm, Hugh, (ed.). (1922). *Ravenstein, Ernst Georg*, **Encyclopædia Britannica** (12th ed.), London & New York
- Coffey, Luke. (2016). *Turkey's demographic challenge, Turkey needs a realistic plan to deal with Syrian refugees*, **Aljazeera**, 18 Feb 2016
- Cole, Jeffrey. (2011). *Ethnic Groups of Europe: An Encyclopedia*, ABC-CLIO, pp. 367-368. & Fischer, Tristan (2015), **History Future Now**, Lulu .Press
- Coștanza Biavaschi; Micha, Burzynski; Benjamin, Elsner; Joël, Machado. (2016). *The Gain from the Drain Skill-biased Migration and Global Welfare*, **Centre for Research and Analysis of Migration**, Discussion Paper Series. Available at: http://www.cream-migration.org/publ_uploads/CDP_24_16.pdf

De Haas, H. (2007). *Remittance, Migration and social development, A Conceptual Review of the Literature*, **United Nations Research Institute for Social Development**

Docquier, Frédéric. (2014). *The brain drain from developing countries*, **Université Catholique de Louvain, and National Fund for Scientific Research**, Belgium, and IZA, Germany, Article Number: 31, May 2014

Durugonul, Esmâ. (2013). *Turkish Return Migration from Europe*, **European Review**, Vol. 21, No. 3, pp. 412–421

Everett S. Lee. (1966). *A Theory of Migration*, 3. **University of Pennsylvania**: pp. 47–57

Grubel Herbert B.; Scott, Anthony D. (1966). *The International Flow of Human Capital*, **The American Economic Review**, Vol. 56, No. 1/2, Mar. 1, 1966, pp. 268-274

Haas, Hein De. (2005). *International migration, remittances and development: myths and facts*, **Third World Quarterly**, Volume 26, Issue 8

Human Development Report .(2016). *United Nations Development Programme*

İçduygu A. (2006a). *International Migrant Remittances in Turkey*, **CARIM Research Reports**, no 07, European University Institute, Florence, 2006

International Migration Report. (2017). *United Nations, Department of Economic and Social Affairs*. Available at: http://www.un.org/en/development/desa/population/migration/publications/migrationreport/docs/MigrationReport2017_Highlights.pdf

Jackline, Wahba. (2015). *Who benefits from return migration to developing countries?*, **University of Southampton**, UK, and IZA, Germany, Article .Number: 123

Jennissen, R. (2007). *Causality Chains in the International Migration Systems Approach*, **Population Research and Policy Review**, 26(4), pp. 411 – 36

Johnson, Harry G. (1975). *International Circulation of Human Capital or "Brain Drain"*, **Technology and Economic Interdependence**, pp. 90-115

Julian di Giovanni; Andrei, Levchenko; Francesc, Ortega. (2014). *A Global View of Cross-Border Migration*, **NBER Working Paper**, No. 20002

Klinthäll, Martin. (2017). *Immigration, Integration and Return Migration: The Swedish Experience*, **Lund University**, Department of Economic History, Sweden. Available at: http://www.un.org/esa/population/migration/turin/Turin_Statements/KLINTHALL.pdf

Mountford, Andrew. (1997). *Can a Brain Drain Be Good for Growth in the Source Economy?*, **Journal of Development Economics**, Vol. 53, pp. 287-303

Naghdi, Asadulah. (2010). *Iranian Diaspora: With focus on Iranian Immigrants in Sweden*, **Asian Social Science**, Vol. 6, No. 11; November 2010

Schultz, T. W. (1971). **Investment in Human Capital**, New York. The Free Press

Su-Yan, Pan. (2008). *Changes and Challenges in the Flow of International Human Capital: China's Experience*, **Journal of Studies in International Education**

Terminski, Bogumil. (2012). *Environmentally-Induced Displacement, Theoretical Frameworks and Current Challenges*, **CEDEM**, Université de Liège

The Global Human Capital Report. (2017). By **World Economic Forum** (WEF)

The World Bank. (2017). *Migration and Remittances Data, Annual Remittances Data* (updated as of Apr. 2018). Available at: <http://www.worldbank.org/en/topic/migrationremittancesdiasporaissues/brief/migration-remittances-data> & <https://www.migrationpolicy.org/programs/data-hub/charts/remittance-trends-over-time?width=1000&height=850&iframe=true> & <https://www.migrationpolicy.org/programs/data-hub/charts/bilateral-remittance-flows?width=1000&height=850&iframe=true>

Thomas, Brinley. (1967). *the International Circulation of Human Capital*, **Minerva**, Volume 5, Issue 4, pp. 479-506

United Nations Conference on Trade and Development. (2018). *World Investment Report 2017*, **United Nations Publication**, New York and Geneva. Available at: http://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2018_en.pdf

Wahba, Jackline. (2015). *Who benefits from return migration to developing countries?*, **IZA World of Labor**, No. 123

World Bank. (2016). *Republic of Turkey, Natural Capital Accounting, Valuing Water Resources in Turkey, A Methodological Overview and Case Study*, September. Available at: <http://documents.worldbank.org/curated/en/600681476343083047/pdf/AUS10650-REVISED-PUBLIC-Turkey-NCA-Water-Valuation-Report-FINAL-CLEAN.pdf>

World Bank. (2018). *Record high remittances to low- and middle-income countries in 2017*, April 23, 2018, Available at: <http://www.worldbank.org/en/news/press-release/2018/04/23/record-high-remittances-to-low-and-middle-income-countries-in-2017>

World Bank Group. (2016). *Migration and Remittances factbook*, Third Edition, **Global Knowledge Partnership on Migration and Development** (KNOMAD)

World Migration in Figures. (2013). *A joint contribution by UN-DESA and the OECD to the United Nations High-Level Dialogue on Migration and Development*, 3-4 October 2013. Available at: <https://www.oecd.org/els/mig/World-Migration-in-Figures.pdf>

